

## برآورد میزان تأثیرپذیری الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان (مطالعه موردی: شهرستان بینالود)

علی اکبر عنابستانی: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران\*

وصول: ۱۳۹۲/۱/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۹، صص ۲۷۷-۲۹۸

### چکیده

مسکن روستایی به عنوان عنصری مادی و فرهنگی در دهه‌های اخیر از تغییرات و دگرگونی‌هایی وسیعی برخوردار شده است. در این میان، عده‌ای خواهان حفظ چهره سنتی مسکن روستایی و گروهی نیز چنین تحولاتی را اجتناب ناپذیر و نتیجه فرایند جهانی شدن می‌دانند. در این مقاله تلاش شد تا تأثیر تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این مطالعه، از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی و همبستگی است که بخش عمده‌ای از داده‌های آن بر اساس مطالعات میدانی و با روش نمونه‌گیری (کوکران) از سطح ۲۳۲ خانوار نمونه‌ی منطقه جمع‌آوری شده است. یافته‌های مطالعه بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون‌های همبستگی تیپ پیرسون نشان می‌دهد که ارتباط معنی‌دار و نسبتاً قوی با ضریب  $0/473$  بین عوامل تغییرات فرهنگی و الگوی مسکن روستایی وجود دارد، به نحوی که شاخص‌های تغییرات فرهنگی حدود  $35/1$  درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نماید. رواج فرهنگ مصرف‌گرایی به تنهایی  $37/4$  درصد بر تغییرات در الگوی مسکن روستایی را توجیه می‌نماید و بیشترین تأثیر را در تحلیل مسیر بر روی شاخص‌های پلان معماری و کیفیت مسکن با ضرایب  $0/36$  و  $0/23$  بر جای گذاشته است. در توزیع فضایی رابطه بین تغییرات اجتماعی و الگوی مسکن در هفت روستا، همبستگی مستقیم و نسبتاً کاملی وجود دارد. با توجه یافته‌ها، راهکارهایی شامل استفاده صحیح از مصالح بومی و تعمیر ساختمانهای قدیمی با وسایل رفاهی مدرن و امروزی، کوشش در حفظ و نگهداری از خانه‌های قدیمی و سنتی در روستاها، تدوین سند چشم‌انداز توسعه ای مسکن روستایی و غیره پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: فعالیت فرهنگی، مصرف‌گرایی، پذیرش فرهنگی، رضایت از مسکن روستایی، پلان معماری.

### ۱. مقدمه

#### ۱-۱- طرح مسأله

مسکن از نیازهای اولیه‌ی انسان و سکونتگاه از نیازهای اساسی اجتماعات انسانی است. برآوردن مناسب این نیازها از دیرباز جزو آمال انسان‌ها بوده، تا جایی که اجتماعات انسانی را همواره به چالش

کشانده و تغییر و تحولاتی در ابعاد گوناگون آن ایجاد کرده است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸، الف: ۱). اساسی‌ترین تفاوت مسکن روستایی و شهری آمیختگی تولید و معیشت و زندگی در خانه روستایی است (همان، ۵۲). مسکن نیاز اولیه بشر و مهمترین کالایی است که تأمین آن سهم متنابعی از درآمد عامه مردم را به خود

و امور فرهنگی در خانه‌سازی و شکل‌بندی فضاهای روستایی اثر می‌گذارد (خسروی، ۱۳۷۲: ۶۴). با ظهور وسایل جهانی ارتباط‌جمعی و حضور فرهنگ عمومی جهانی مبتنی بر مصرف نسبتاً همسان فیلم، تلویزیون، موسیقی و مانند آن در چارچوب این فرهنگ عام، کار و زندگی در محیط‌های روستایی همه جا یکسان است، همان‌گونه که شکل خاصی از زیستن در کانون‌های شهری معرفی و شناخته می‌شود. یکی از نتایج ناخوشایند این روند، جهانی شدن ارزش‌ها و به دیگر سخن، یکسان‌سازی ارزش‌ها بر مبنای ارزش‌های غربی، مستقل از تفاوت‌های فرهنگی و سنتی جوامع روستایی در سرزمین‌های دیگر است (سعیدی، ۱۳۸۷: ۳۲۰). در حال حاضر، سیما و ساختار کالبدی روستاهای ایران با نفوذ و هجوم تکنولوژی، فرهنگ و سیمای شهری و هم‌زمان با آن تنزل ارزش‌های فرهنگی و بومی نزد ساکنان روستا، روز به روز و بیش از پیش مخدوش می‌شوند. بدیهی است ادامه این روند روستاهای ما را نیز به دنبال شهرها از هویت و سیمای اصیل خود دور خواهد کرد و آن‌چه می‌ماند شالوده‌ای از تفکرات غربی ناهمخوان با بستر فرهنگی و اجتماعی و منطقه‌ای است. (زندیه و حصاری، ۱۳۹۱: ۶۵).

مسکن روستایی به عنوان عنصری مادی و فرهنگی در سالهای اخیر از تغییرات و دگرگونی‌های وسیعی برخوردار بوده است. این عنصر فرهنگی علاوه بر نقش سکونت به عنوان بخشی از فضای اشتغال، تولید و همچنین انبار نگهداری ملزومات زندگی روستاییان مطرح است، بنابراین بروز تغییرات فرهنگی و اثرات آن بر الگوی مسکن روستایی منجر به فروپاشی الگوی سنتی مسکن که منطبق با شرایط اقلیمی، اقتصادی،

مشغول می‌دارد (احمدی، ۱۳۸۷، ۲۳). یکی از مسائلی که به شدت توجه همگان را به خود معطوف داشته مسکن و توسعه پایدار آن همگام با توسعه انسانی است. نکته مهمی که در اسناد دومین اجلاس اسکان بشر بدان توجه شده است، اهمیت نقش اسکان پایدار و تأمین مسکن مناسب برای مردم در روند توسعه است (چپرلی، ۱۳۸۷، ۲۸).

فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات، ارزش‌ها، آداب و رسوم، سنن و مراسم مذهبی و آیینی است. در ایران مهم‌ترین وجه فرهنگی جوامع سنتی، فرهنگ دینی و باورهای اسلامی آن‌هاست (زرگر، ۱۳۸۸: ۳۹). از آنجایی که فرهنگ جامعه در طول زمان به دلیل تعامل با فرهنگ‌های دیگر تغییر می‌کند، بنابراین، حفظ ارزش‌های بومی و توسعه آن با زمان و فناوری می‌تواند تکامل فرهنگی و توسعه مطلوب را باعث شود. اعتقادات و ملاحظات فرهنگی همواره نقش بسیار مهمی در توسعه مسکن روستایی دارا هستند (کاوسی، ۱۳۹۰: ۲۵۴). ساخت مسکن و استقرار آن علاوه بر تاثیر پذیری از عوامل اقتصادی، جغرافیایی و اقلیمی یک کنشی فرهنگی است که با آشیانه‌سازی از روی غریزه، متفاوت است و حتی در سخت‌ترین شرایط و در میان شدیدترین تنگناها و قیود فیزیکی و با تکنیک‌های محدود، باز هر یک انتخاب از میان انتخاب‌های متعددی است که نقش ارزش‌های فرهنگی را روشن می‌سازد. خانه دارای مفهومی گسترده‌تر از فضای فیزیکی سکونت است، بنابراین، مسکن یک پدیده فرهنگی است و مفهومی چند ساختی دارد (خاکپور و شیخ مهدی، ۱۳۹۰: ۲۲۹).

در روستاهای ایران در رتبه اول وضع جغرافیایی یعنی وضعیت بوم‌شناختی منطقه و در رتبه دوم عوامل تولید

اجتماعی و فرهنگی روستاست، خواهد شد. بنابراین، پژوهش حاضر در صدد است تا تغییرات فرهنگی مانند فعالیت‌های فرهنگی، گرایش به مصرف‌گرایی، پذیرش فرهنگی و ناهنجاری‌های اجتماعی و غیره که بر الگوی مسکن در سکونتگاه‌های روستایی تأثیر دارند را مورد کنکاش قرار دهد.

#### ۱-۲- ضرورت و هدف از تحقیق

در این مقاله تلاش شده است تا آثار تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و در کنار آن توزیع فضایی ارتباط بین این دو متغیر را در سطح محدوده‌ی مورد مطالعه مورد ارزیابی قرار دهد تا بتوان از نتایج آن به عنوان پایه‌ای برای بررسی‌های بیشتر، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه‌های روستایی و به ویژه ناحیه‌ی مورد مطالعه یعنی شهرستان بینالود استفاده نمود. نتایج حاصل از این پژوهش، می‌تواند در جهت ارائه الگویی مناسب برای مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه که به شکل حاذق در معرض ساخت خانه‌های دوم نیز می‌باشد، مورد استفاده قرار گیرد.

#### ۱-۳- پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه بررسی تغییرات فرهنگی و الگوی مسکن روستایی در سطح روستاهای کشور ما تحقیقات متعددی صورت پذیرفته است ولی کمتر به مقوله‌ی آثار تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن در سطح سکونتگاه‌های روستایی اشاره شده است. در ادامه نتایج تعدادی از این تحقیقات مورد بررسی قرار می‌گیرد:

در ایران تحقیقاتی پیرامون مسکن، پایداری آن و برنامه‌های توسعه مسکن و نقش عوامل مختلف در

تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی انجام شده است. سعیدی و امینی (۱۳۸۹)، بسحاق و همکاران (۱۳۹۱)، صیدایی و همکاران (۱۳۹۰)، قنبری و همکاران (۱۳۹۰) و کریمی‌آذر و شمسی یوسفی (۱۳۸۸) معتقدند که روند دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و تحرک و جا به جایی روزافزون گروه‌های انسانی، به روندهای پایداری/ ناپایداری و دگرگونیهای کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی منجر شده است. در این ارتباط، جا به جایی روستایی - شهری و رها ماندن برخی واحدها در روستاها، موجب تحول کارکردی در بهره‌گیری از فضاهای درونی خانه‌ها شده است. در کنار آن آسیب‌پذیری واحدهای مسکونی در برابر مخاطرات محیطی از نتایجی است که به آن اشاره می‌شود. معینی (۱۳۸۷) معتقد است که مسکن باید تابع شرایط اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، معیشتی عشایر و هماهنگ با شرایط جغرافیایی و اقلیمی منطقه باشد. نتایج حاصل از تحقیقات پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) مشخص نمود که بین تغییرات فرهنگی و تغییر در الگوی مسکن روستایی رابطه خطی و معناداری برقرار است.

لطفی و همکاران (۱۳۸۸)، عادل‌گیلانی (۱۳۸۹) و صیدائی و همکاران (۱۳۸۹) معتقدند که پنج عامل تسهیلات و امکانات، مالکیت، تأسیسات، رفاه و استحکام سازه نقشی مهم و اساسی در توسعه مسکن روستایی دارند و توجه به این عوامل در برنامه‌ریزی برای رسیدن به وضعیت بهینه مسکن ضروری به نظر می‌رسد. و در الگوی پایدار مسکن روستایی باید به عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و تطابق با بستر طبیعی در طراحی توجه شود. خاکپور (۱۳۸۴) معتقد است که عامل رطوبت و بارش زیاد منطقه گیلان

طرح‌های مسکونی اثرات متعددی بر جای نهاده است. یافته‌های پژوهش‌های (Walker, 2002) و (Alnaim, 2004) بیانگر این است که تغییرات الگوی مسکن روستایی در نیجریه بویژه در سه دهه اخیر بر اثر تغییرات فرهنگی، شهری شدن و جهانی شدن صورت پذیرفته است و الگوی مسکن روستایی به سمت نیمه شهری شدن حرکت نموده است.

بلاک و نرس معتقدند که روستاهای کانادا در چند سال اخیر تحت تاثیر فرایندهای جهانی سازی، شهرنشینی و گسترش تکنولوژی‌های مدرن قرار گرفته‌اند که این عوامل به نوبه خود باعث تغییرات اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی در روستاها شده اند (Nurse & Blak, 2000: 66). در روستاهای ترکیه، تغییرات فرهنگی بر مسکن روستایی بویژه تغییرات در ابعاد فضایی و کالبدی مسکن تأثیر داشته و نظام ساخت واحدهای مسکونی جدید را متأثر از فرهنگ غرب نموده است (Hacihasanoglu, 2005: 902). بانسکی و وسولوسکا معتقدند که در اثر تحولات اقتصادی در لهستان، ساختمان‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است که خود تابعی از میزان نزدیکی به حومه شهر و فاصله از آن است. فشار ناشی از سرمایه‌گذاران جدید منجر به ظهور تحولاتی در محیط زیست طبیعی و درگیری‌های جدید بین بخش کشاورزی و مسکن شده است (Banski & Wesolowska, 2010: 116).

هم‌چنین به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی، باورهای فرهنگی و یا دیدگاه‌های روان‌شناختی نیز بر تغییرات الگوی مسکن مؤثرند. برای نمونه انگیزه کسب درآمد قادر است در تبدیل اتاق‌ها به مغازه به خصوص در مواردی که اتاق‌ها به سمت خیابان هستند تأثیر داشته

سبب پیدایش انواع فعالیت‌های اقتصادی شده که به منظور پاسخگویی به نیاز فضایی این فعالیت‌ها، چیدمان عناصر تابع نظم خاصی گردیده که مشارکت همه‌ی افراد خانواده را طلب می‌نماید. شکوری و عسگری (۱۳۹۱)، سرتیپی‌پور (۱۳۸۴) و (۱۳۸۵) در بررسی مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه معتقدند که مسکن روستایی در طول شصت سال نظام برنامه‌ریزی کشور مورد بی‌توجهی قرار گرفته و علی‌رغم توجهی که در برنامه‌های بعد از پیروزی انقلاب به روستاها صورت گرفته است، اما تا تحقق فضای زیستی- کالبدی مناسب فاصله بسیار زیادی وجود دارد. قاسمی‌اردحانی و رستمعلی‌زاده (۱۳۹۱)، افراخته و هواسی (۱۳۹۰)، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۰)، مطیعی لنگرودی و بخششی (۱۳۸۹) و رحمانی فضلی و کاویانی (۱۳۸۸) نشان می‌دهند که وام‌های مسکن روستایی دارای نقاط قوت و ضعف بوده و اثرات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سکونتگاه‌های روستایی بر جای گذاشته است و بیشترین اثرگذاری اعتبارات در زمینه مقاوم سازی مسکن روستایی بوده است.

از منابع خارجی نیز می‌توان به تعدادی از آنها اشاره نمود که با تحقیق حاضر دارای شباهت می‌باشند، از جمله مطالعات (wells, 1971)، (Mai et al, 2006) و (Turgat, 2001) نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی باعث تغییر شکل مسکن می‌شوند. ضمن اینکه خاطر نشان می‌شود که سرعت شهرنشینی و جهانی شدن نیز در تغییر شکل مسکن تأثیرگذار بوده‌اند و تغییرات فرهنگی به خصوص تغییر از ارزش‌های سنتی و گرایش به سبک زندگی غربی بر الگوی مسکن و

میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌شوند. شهرستان بینالود دارای ۵۳ روستای دارای سکنه با جمعیت ۳۱۳۳۷ نفر است. جامعه آماری در این پژوهش شامل تمام روستاهای بالای ۲۰ خانوار شهرستان که برابر ۴۱ روستا با جمعیت ۳۱۰۴۵ نفر می‌باشد و بر اساس فرمول NO تعداد ۱۱ روستا با ۴۴۱۸ خانوار می‌باشد. جهت برآورد حجم نمونه در سطح خانوارهای روستایی از روش نمونه‌گیری کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و احتمال خطای ۶/۲۵٪ بنابر سهم جمعیت هر روستا استفاده شده است. بر این اساس برای ارزیابی آثار تغییرات اجتماعی بر الگوی مسکن در روستاها، تعداد ۲۳۲ نفر (سرپرست خانوار) از روستاییان به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. پس از جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آن‌ها در محیط‌های نرم‌افزاری ArcGIS, SPSS و ... نسبت به تحلیل داده‌ها در سطح منطقه‌ی مورد مطالعه اقدام شد.

#### ۶-۱- معرفی شاخص‌ها و متغیرها

شناخت بهتر و دقیق‌تر از وضعیت مکان‌های جغرافیایی در زمینه‌های مختلف در سطوح متفاوت مستلزم دسترسی به اطلاعات کامل و پردازش شده از مکان‌های مورد نظر است. برای نیل به این مهم از یکسری شاخص‌ها استفاده می‌شود که این شاخص‌ها می‌توانند سطحی از رشد و توسعه‌ی مکان‌های جغرافیایی را بر اساس معیارهای انتخاب شده نشان دهند (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

باشد و یا می‌توان به اعتقادات چینی‌ها اشاره نمود که معتقدند ارواح خبیث از خطوط مستقیم برای رسیدن به محل سکونت انسانها استفاده می‌کنند لذا ورودی خانه‌ها بویژه در مناطق روستایی به حداقل رسیده است (hsu, 2002: 52). مروری گذرا بر پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در الگوی مسکن عوامل موثر بر تغییر آن نشان می‌دهد که در بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی بیشتر تأثیرگذار بوده است. بنابراین پژوهش حاضر با نگاهی به تحقیقات پیشین سعی دارد با رویکردی جدید ارتباط بین تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان با تغییرات الگوی مسکن روستایی در محدوده‌ی مورد مطالعه، مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد.

#### ۴-۱- سؤال و فرضیه‌ها

سؤال اصلی در تحقیق حاضر این است که الگوی مسکن موجود در سکونتگاه‌های روستایی به چه میزان از تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان تأثیر پذیرفته است؟ و فرضیه‌ی زیر برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق طراحی شده است: «تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی اثرگذار بوده است.»

#### ۵-۱- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش شناسی از نوع توصیفی-همبستگی است که با بهره‌گیری از روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است و در این نوع تحقیق رابطه‌

جدول ۱: بررسی قابلیت اعتماد متغیرهای تحقیق

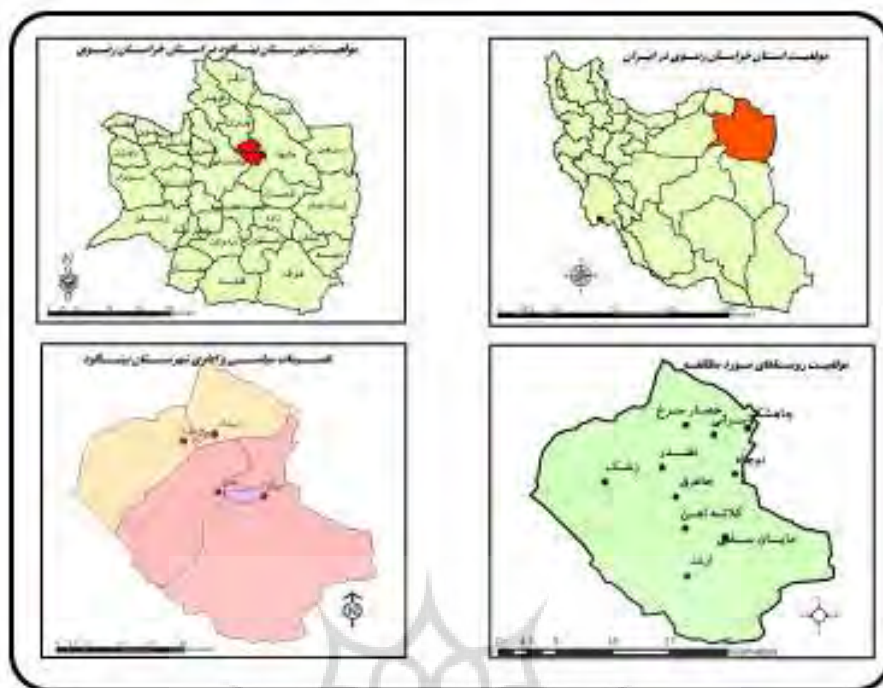
متغیر	نام شاخص	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
تغییرات فرهنگی	فعالیت‌های فرهنگی	۶	۰/۶۴۲
	گرایش به مصرف‌گرایی	۱	--
	پذیرش فرهنگی	۹	۰/۶۵۴
	ناهنجاری‌های اجتماعی	۵	۰/۶۵۳
	جمع	۲۱	۰/۶۵۰
الگوی مسکن	رضایت از مسکن روستایی	۴	۰/۸۷۴
	مقاومت مسکن	۴	۰/۸۰۱
	پلان معماری مسکن	۱	--
	کیفیت بنای مسکن	۱۴	۰/۸۷۲
	جمع	۲۳	۰/۸۶۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

اساس، یک موقعیت دشتی در مقایسه با موقعیت کوهستانی از ابعاد مختلف تفاوت‌های چشم‌گیری دارد (سعیدی، ۱۳۷۹: ۴۰). منطقه مورد مطالعه یعنی شهرستان بینالود (طرقبه و شاندریز) در استان خراسان رضوی دارای ۵۳ آبادی دارای سکنه با ۹۳۴۱ خانوار و ۳۱۳۳۷ نفر جمعیت می‌باشد. محدوده مورد مطالعه به لحاظ ریاضی در عرض جغرافیایی ۱" و ۶' و ۳۶° تا ۲۴" و ۳۰' و ۳۶° شمالی و طول جغرافیایی ۵۳" و ۳' و ۵۹° تا ۱۶" و ۳۶' و ۵۹° شرقی واقع و از سمت شمال‌غرب به شهرستان چناران، از سمت شمال، شرق و جنوب به شهرستان مشهد و از سمت غرب به شهرستان نیشابور محدود می‌شود، مساحت آن ۱۱۸۵/۳ کیلومتر مربع، معادل یک درصد از کل وسعت استان خراسان رضوی و دارای ۲ بخش، ۴ دهستان و ۲ نقطه شهری می‌باشد (استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۱).

برای بررسی تأثیرپذیری الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان دو متغیر معرفی و به وسیله ۸ شاخص و ۴۴ معرف (گویه) ارزیابی شد. تمامی گویه‌ها بر مبنای طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) تنظیم شدند. برای ارزیابی روایی پرسشنامه‌ها از نظر متخصصین و کارشناسان ذی‌ربط در دانشگاه‌ها و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استفاده شد و پایایی آن‌ها بر مبنای آلفای کرونباخ با اعتبار بین ۰/۶۴ تا ۰/۸۷ تأیید گردید. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های همبستگی اسپیرمن و پیرسون، رگرسیون چند متغیره، تحلیلی عاملی و تحلیل مسیر با کمک نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel کمک گرفته شد.

۱-۷- محدوده یا قلمرو پژوهش: موقعیت جغرافیایی بیانگر بسیاری از ویژگی‌های روستا از جمله حجم جمعیت، نوع فعالیت‌ها، امکان دسترسی به منابع و توان‌های بالقوه برای رشد و توسعه است. بر این



شکل ۱) موقعیت منطقه‌ی مورد مطالعه در ایران، مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

## ۲. مبانی نظری

### ۲-۱- مسکن روستایی

(روح الامینی، ۱۳۷۰). به عبارت دیگر مسکن چیزی بیش از یک سر پناه صرفاً فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای به‌زیستن انسان را شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده کنندگان آن فراهم باشد. (Knapp, 1982: 35). مسکن به مثابه واحد تسهیلات فیزیکی یا به عنوان کالایی اقتصادی و پر دوام است که نقش اجتماعی یا جمعی نیز دارد (Bourne, 1981: 14) و افزون بر اینها مشتمل بر رفع نیازهای مالی، به عنوان نمایش مقام و وضعیت اقتصادی- اجتماعی افراد نیز هست (Cater & Trevor, 1989: 38). مسکن در عین حال عامل اصلی جامعه پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین کننده در سازمان اجتماعی فضا

مسکن کوچکترین عنصر هر سکونتگاه را تشکیل می‌دهد و می‌تواند یک بادگیر ابتدایی، آلاچیق و یا کلبه ساده باشد. مسکن زائیده‌ی مهمترین نیاز انسان‌ها و یکی از پدیده‌های جغرافیایی هر منطقه است (بشیری و دیگران، ۱۳۸۸: ۲). مسکن در مجموعه بافت روستا به عنوان یک جزء از هویت کلی روستا و ایفاگر نقشی چند کارکردی است. مسکن علاوه بر نقش سکونت به عنوان بخشی از فضای اشتغال و تولید مطرح بوده که این امر از نقش سکونت و شیوه زیست و کیفیت استفاده از محیط و اقتصاد حاکم در روستا و سنت‌ها و هنجارهای پنهان و آشکار روستایی نشأت می‌گیرد

است که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد (Short, 2006: 199). بنابراین مسکن دارای ابعاد مختلف مکانی، معماری، کالبدی و فیزیکی، اقتصادی، مالی، روان‌شناختی و پزشکی است (Cullingworth, 1997: 166). در بسیاری از موارد مهمترین عامل تأثیرگذار بر میزان رضایت فرد از سکونت در محله، مسکن و شرایط محیطی آن است (Westaway, 2006: 187). بنا به دیدگاه لوکوربوزیه، هر دو وجه نیازهای جسمی و روحی انسان باید با سازمان‌دهی فضایی مسکن پاسخ داده شود (Yagi, 1987: 18). مسکن خوب و مناسب نشانگر رفاه عمومی جامعه است و مسکن بد و نامطلوب منجر به پیامدهای زیانباری از قبیل بیماریها، بی‌بندوباریها، تباهی و فساد جوانان جوامع می‌گردد (Rangwala, 1998: 62). عوامل اقتصادی، سبک معماری، زبان بومی منطقه، گرایش‌های سبک‌شناختی، آب و هوا، جغرافیا و آداب و سنن محلی در توسعه و طراحی مسکن در مکانهای مختلف تأثیر گذارند (Sendich, 2006: 185).

## ۲-۲- تغییرات فرهنگی و مسکن روستایی

فرهنگ، شیوه کلی زندگی مردم یا الگوی فکری و رفتاری آنان در تعامل با محیط است (چیتامبار، ۱۳۷۳: ۴۶). فرهنگ یا به عبارتی راه و روش زندگی جوامع انسانی در برگزیده اقتصاد، معیشت، نحوه زیست، طرز مصرف خوراک و پوشاک، مسکن، سیاست،

حکومت، نظام‌های سیاسی، آداب و رسوم، نظام ازدواج و خویشاوندی، تفکرات مذهبی و متافیزیکی و همه امور انسانی و غیر انسانی، همواره به دلایل گوناگون در حال تغییر و تحول است (ازکیا، ۱۳۷۹: ۱۷). بنا به اعتقاد تایلر<sup>۱</sup> فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که در برگزیده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هر گونه توانایی دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است (آیت‌اللهی، ۱۳۸۷: ۵۷). در فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، ادراکات حسی بر اساس تجارب متفاوت، مختلف است و معماری هر فرهنگی، دست‌چینی انتخابی، از این ادراک است (هال، ۱۳۸۷: ۳). بنابراین هر بنایی در بستر زمانی و مکانی خود گویای خصایص فرهنگی و اجتماعی ساکنان خود است. بناهای متعلق به سنت مردمی، ترجمان مستقیم و ناخودآگاه نیازها، ارزشها و هم‌چنین تمایلات و غرایز یک قوم به زبان فرهنگ مادی آن ملت می‌باشند (Rapoport, 1972: 13).

فرهنگ‌ها اعم از مادی و غیر مادی با گذشت زمان در حال تغییر و دگرگونی‌اند و به تناسب این دگرگونی نظم جدیدی به وجود می‌آید. بررسی‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی حاکی از آن است که عوامل مختلفی چون اختراعات، اکتشافات، نوآوری‌ها، افزایش جمعیت، تحولات اکولوژیکی، جنگ‌ها، تماس فرهنگ‌ها، همگی در تغییرات فرهنگی دخالت داشت



سوی دیگر عدم جوابگویی این مسکن با نیاز امروز جامعه روستایی، تغییر در مسکن روستایی را به تبعیت از ساخت مسکن شهری شروع نمودند، که مکانیزم حاصل بر این روند را می توان در دو شکل کلی توصیف نمود:

الف) روستاییان ضمن ایجاد رابطه و پیوندی ناگسستنی با شهرها، الگوها و شیوه‌های ساخت خانه را از آنجا فرا گرفته و آن را در روستای خود به کار می‌گیرند؛ چرا که این گونه مسکن شهری توانسته جوابگوی نیازهای امروزی ساکنان آن باشد. همچنین در مقابل خطرات و احتمالات پیش آمده طبیعی- انسانی کارآیی و جوابگویی بهتری از مسکن ساخته شده در روستاها را دارد. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶: ۷۱).

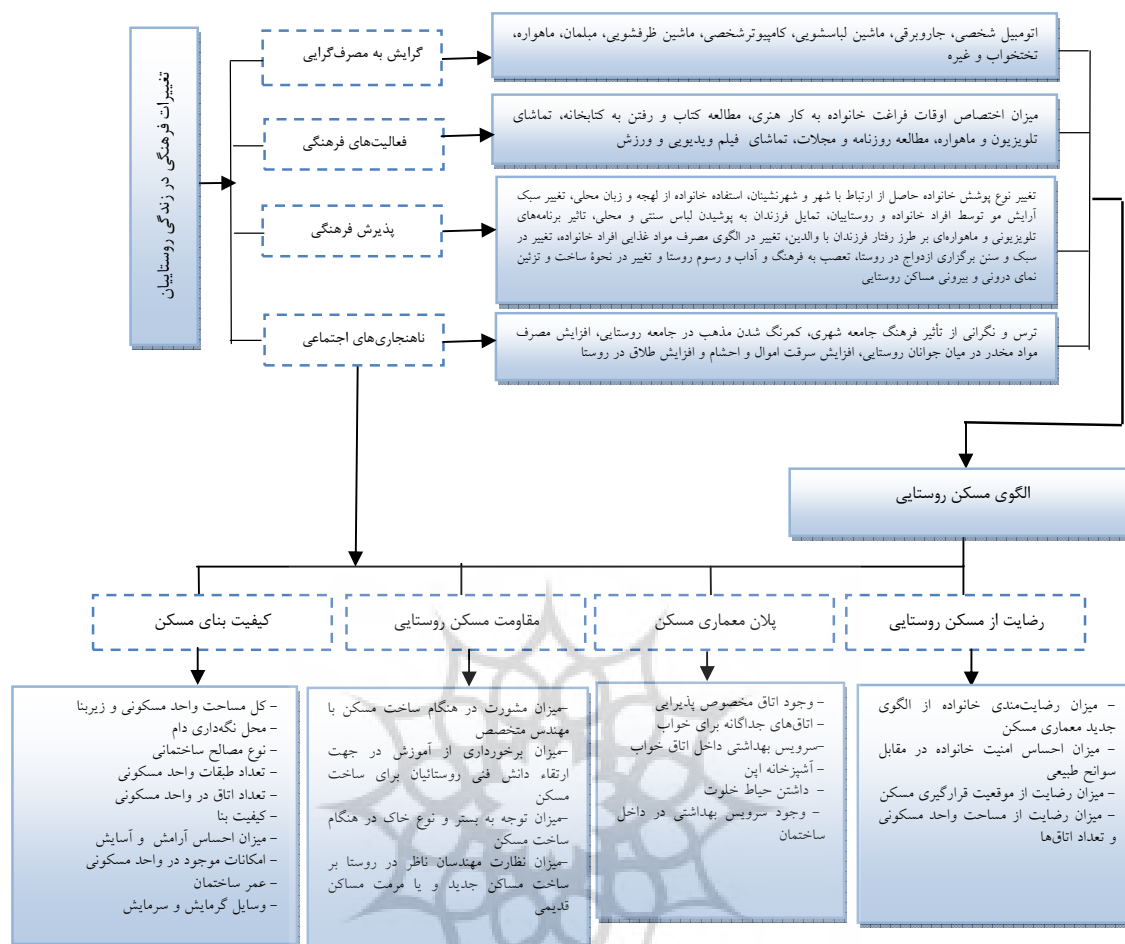
ب) دلیل دیگر این هم شکل شدن را می توان در نقش برجسته بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در این زمینه دانست، به گونه‌ای که بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از آغاز تأسیس تا قبل از برنامه سوم توسعه کشور از طریق تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی، ترویج مسکن از طریق مسکن نمونه در روستاها و اعمال نظارت نسبی بر ساخت و سازهای روستایی، اقداماتی را در جهت بهبود وضع مسکن در روستاها انجام داده است و لیکن از برنامه سوم توسعه کشور در فصل عمران و توسعه روستایی تمامی وظایف مربوط به ساخت و ساز مسکن روستایی بر عهده بنیاد مسکن گذاشته شد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

و این تغییرات بر بافت کالبدی مسکن روستایی و شهری عمیقاً تأثیر نهاده و آن را در مدت زمان کوتاهی دستخوش دگرگونی می‌کنند (امان الهی، ۱۳۶۲: ۱۰۳). به این ترتیب مسکن نیز به عنوان بخشی از فرهنگ غیر مادی از این تحولات به دور نیستند. یکی از عواملی که باعث ایجاد تغییرات فرهنگی در جامعه می‌شود محصولات فرهنگی بویژه وسایل ارتباط جمعی است که منجر به تغییر الگوی رفتاری جامعه می‌شود. در میان عوامل رسانه‌ای، نوع رسانه و قابلیت فراگیری آن و در میان عوامل غیر رسانه‌ای، سیاست‌های دولت نقش به‌سزایی در جهت دهی علایق و سلایق جامعه به عهده دارند (طاهرخانی، ۱۳۸۲: ۸۸).

مسکن به عنوان یکی از تبلورات فضایی فرهنگ و عوامل معنوی می‌تواند تحت تأثیر تنوعات فرهنگی قرار گرفته و بیشتر فرم و شکل مسکن می‌تواند ناشی از تفاوت‌ها در بخش فرهنگ باشد. نقش فرهنگ بر مسکن روستایی در سه مبحث زیر می‌تواند مورد بررسی قرارگیرد:

- ۱- فرهنگ تعیین‌کننده دیدگاه اهداف معماری؛
- ۲- فرهنگ سازنده رفتارها و عملکردها است.
- ۳- فرهنگ سازنده نمادها و سمبل‌ها است (خسرونی، ۱۳۸۸: ۳۹).

بنابراین، روستاییان از یک سو به دلیل عدم رعایت اصول ایمنی و فنی در ساخت مسکن در گذشته و از



شکل ۲) چارچوب مفهومی پژوهش، مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه، از شاخص‌هایی چون فعالیت‌های فرهنگی، گرایش به مصرف‌گرایی، پذیرش فرهنگی و ناهنجاری‌های اجتماعی در روستاها استفاده شد. تمامی گویه‌ها از سطح معنی‌داری کافی بر اساس آزمون کای اسکوئر تیپ پیرسون جهت تحلیل برخوردار می‌باشند. یافته‌های تحقیق بر اساس جدول ۲ نشان می‌دهد که میزان تمایل خانواده‌ها به اختصاص زمانی برای انجام فعالیت‌های فرهنگی بیشتر به سمت تماشای تلویزیون و ماهواره با میانگین  $3/4$  و در رتبه دوم به سمت

### ۳. یافته‌های تحقیق

۱-۳- تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان از دیدگاه آن‌ها: تغییر الگوهای رفتار اجتماعی و فرهنگی و ورود فضای مجازی اینترنت<sup>۱</sup> و دیستوپیا<sup>۲</sup> که به صورت الکترونیکی مکان‌های دور را به هم متصل می‌نماید، تأثیر جدیدی بر سکونتگاه‌ها و از جمله بر روستاها گذاشته است، به گونه‌ای که در آینده سازمان فضایی آن‌ها را دستخوش تغییر و دگرگونی خواهد کرد (سرتیپی پور، ۱۳۸۸- ب: ۵۵). برای سنجش آثار

1- Cyberspace

2 - Dystopia

حد کم تا متوسط به انجام فعالیت‌های فرهنگی داشته‌اند و از سوی دیگر ۱۵ درصد آن‌ها تمایل ناچیزی برای انجام این قبیل فعالیت‌ها در سطح روستاها دارند.

انجام فعالیت‌های ورزشی با میانگین ۲/۷۵ گرایش دارد و انجام مطالعه کتاب و رفتن به کتابخانه توسط روستاییان اقبال چندانی ندارد. بنابراین، ۶۴/۲ درصد پاسخ‌گویان معتقدند بوده‌اند که روستاییان تمایلی در

جدول ۲) میزان اختصاص اوقات فراغت خانواده به فعالیت‌های فرهنگی (درصد)

معرف‌ها	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین وزنی	کای اسکوتر
کار هنری	۱۹	۳۲/۹	۳۱/۲	۱۵/۶	۱/۳	۲/۴۷	۰/۰۰۰
مطالعه کتاب و رفتن به کتابخانه	۲۹/۴	۴۷/۶	۱۳/۹	۸/۷	۰/۴	۲/۰۳	۰/۰۰۰
تماشای تلویزیون و ماهواره	۲/۲	۱۰/۸	۳۶/۸	۴۵	۵/۲	۳/۴	۰/۰۰۰
مطالعه روزنامه و مجلات	۲۰/۳	۴۵/۵	۲۵/۱	۷/۸	۱/۳	۲/۲۴	۰/۰۰۰
تماشای فیلم ویدئویی	۱۰/۸	۳۹	۳۰/۷	۱۸/۲	۱/۳	۲/۶	۰/۰۰۰
ورزش	۸/۲	۳۴/۲	۳۷/۲	۱۵/۲	۵/۲	۲/۷۵	۰/۰۰۰
جمع	۱۵	۳۵	۲۹/۲	۱۸/۴	۲/۵	۲/۶	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

گرایشی در حد کم داشته‌اند، که بین ۵ تا ۷ نوع وسیله مصرفی را شامل می‌گردد.

یافته‌های تحقیق بر اساس جدول ۳ بیانگر این مطلب است که روستاییان در ارزیابی میزان پذیرش فرهنگی در محیط‌های روستایی، به میزان تأثیر برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای بر طرز رفتار فرزندان با والدین، میزان تغییر در سبک و سنن برگزاری ازدواج در روستا و میزان تغییر در نحوه ساخت و تزئین نمای درونی و بیرونی مسکن روستایی امتیاز بالایی (بین ۳/۹۲ تا ۳/۹۷) داده‌اند. این متغیر با پاسخگویی ۳۹/۴ درصد افراد تبیین و در کل ۶۸/۳ درصد افراد معتقدند که میزان پذیرش فرهنگی در محیط‌های روستایی در حد متوسط تا زیاد بوده است.

برای آگاهی از میزان گرایش روستاییان به مصرف‌گرایی، ۱۶ نوع وسیله مصرفی مورد پرسشگری قرار گرفت، به نحوی که از کل خانوارهای مورد پرسشگری واقع شده، ۹۷/۴ درصد دارای یخچال، ۹۶/۶ درصد دارای تلویزیون، ۹۰/۹ درصد دارای جاروبرقی، ۸۲/۸ درصد دارای ماشین لباس‌شویی، ۶۹ درصد دارای رادیو، ۵۹/۵ درصد دارای موتورسیکلت، ۵۳/۴ درصد دارای فریزر، ۴۹/۶ درصد دارای کولر، ۴۶/۶ درصد دارای اتومبیل شخصی، ۲۵/۴ درصد دارای تختخواب، ۲۴/۷ درصد دارای ویدئو، ۲۳/۳ درصد دارای مبلمان، ۲۲/۴ درصد دارای کامپیوتر، ۱۲/۸ درصد دارای ماشین ظرفشویی، ۹/۱ درصد دارای ماهواره و ۷/۸ درصد دارای کتابخانه شخصی بوده‌اند. پس از تعیین تعداد وسایل مصرفی هر خانوار با فرض برابری ارزش آن‌ها، ۴۶/۱ درصد خانوار

## جدول ۳) ارزیابی میزان پذیرش فرهنگی در بین روستاییان از دیدگاه آن‌ها (درصد)

معرف‌ها	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین وزنی	کای اسکوتر
میزان تغییر نوع پوشش خانواده حاصل از ارتباط با شهر و شهرنشینان	۲/۶	۱۴/۷	۲۸/۶	۴۹/۸	۴/۳	۳/۳۹	۰/۰۰۰
میزان استفاده خانواده از لهجه و زبان محلی،	۳	۲۱/۲	۳۸/۵	۳۱/۶	۲/۶	۲/۸۴	۰/۰۰۰
میزان تغییر سبک آرایش مو توسط افراد خانواده و روستاییان	۴/۳	۲۰/۳	۳۸/۱	۳۵/۱	۲/۲	۳/۱	۰/۰۰۰
میزان تمایل فرزندان به پوشیدن لباس سنتی و محلی	۲۲/۱	۳۹/۸	۲۳/۸	۱۱/۳	۳	۲/۳۳	۰/۰۰۰
میزان تاثیر برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای بر طرز رفتار فرزندان با والدین	۰/۴	۲/۲	۱۲/۶	۶۹/۷	۱۵/۲	۳/۹۷	۰/۰۰۰
میزان تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی افراد خانواده	۰/۰	۱۱/۷	۳۳/۵	۴۶/۱	۸/۷	۳/۵۲	۰/۰۰۰
میزان تغییر در سبک و سنن برگزاری ازدواج در روستا	۰/۴	۴/۸	۱۹/۵	۵۲/۸	۲۲/۵	۳/۹۲	۰/۰۰۰
میزان تعصب به فرهنگ و آداب و رسوم روستا،	۲/۶	۱۹	۴۳/۷	۳۰/۷	۳/۹	۲/۸۶	۰/۰۰۰
میزان تغییر در نحوه‌ی ساخت و تزئین نمای درونی و بیرونی مسکن روستایی	۰/۴	۳/۹	۲۱/۶	۴۹/۴	۲۴/۷	۳/۹۴	۰/۰۰۰
جمع	۴/۴	۱۷/۷	۲۸/۹	۳۹/۴	۹/۶	۳/۳۲	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

مواد مخدر در میان جوانان روستایی امتیازی در آستانه زیاد داده‌اند. این متغیر با میانگین ۳/۳۸ پاس‌خگویان تبیین و در کل ۶۳/۴ درصد افراد معتقدند که میزان نگرانی از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی در محیط‌های روستایی در حد متوسط تا زیاد بوده است.

یافته‌های تحقیق بر اساس جدول ۴ بیانگر این مطلب است که روستاییان در ارزیابی میزان شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی در محیط‌های روستایی به میزان نگرانی از تاثیر جنبه‌های فرهنگی جامعه شهری بر روستاییان، نگرانی از کم‌رنگ شدن مذهب در زندگی جامعه روستایی و ترس از افزایش مصرف

## جدول ۴) ارزیابی میزان شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی در محیط‌های روستایی (درصد)

معرف‌ها	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین وزنی	کای اسکوتر
نگرانی از تاثیر جنبه‌های فرهنگی جامعه شهری بر روستاییان	۰/۴	۱۲/۱	۳۲/۵	۴۵/۹	۹/۱	۳/۵۱	۰/۰۰۰
نگرانی از کم‌رنگ شدن مذهب در زندگی جامعه روستایی	۱/۷	۱۵/۲	۳۱/۶	۳۲/۹	۱۸/۶	۳/۵۲	۰/۰۰۰
ترس از افزایش مصرف مواد مخدر در میان جوانان روستایی	۰	۶/۵	۱۵/۲	۳۸/۵	۳۹/۸	۴/۱۲	۰/۰۰۰
نگرانی از افزایش سرقت اموال و احشام	۵/۲	۲۳/۴	۳۸/۱	۲۸/۱	۵/۲	۳/۰۵	۰/۰۰۰
ترس از افزایش طلاق در روستا	۱۱/۷	۳۱/۲	۳۳/۸	۲۰/۳	۳	۲/۷۲	۰/۰۰۰
جمع	۳/۸	۱۷/۷	۳۰/۳	۳۳/۱	۱۵/۱	۳/۳۸	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

آزمون کای اسکوتر تیپ پیرسون ضریب معنی‌داری برای گویه‌های مربوط به متغیر عوامل ساختاری مؤثر

در نهایت ۵۵ درصد افراد روستایی معتقدند که تغییرات فرهنگی در سطح متوسط تا زیاد بوده است، که میانگین ۲/۹۶ آن را تبیین خواهد نمود. بر اساس

بر مشارکت روستاییان در سطح ۹۹٪ ارزیابی شده است.

پلان معماری، مقاومت و کیفیت مسکن کمک گرفته شده است.

### ۳-۲- الگوی مسکن روستایی

مسکن از ابعاد گوناگونی برخوردار است که غفلت از هر یک از ابعاد آن‌ها، حل مشکل مسکن را به تأخیر انداخته و گاه غیرممکن می‌سازد. از دیدگاه اجتماعی و فرهنگی، مسکن حافظ کيان خانواده، عزت نفس و شکوفایی استعدادهاست که روابط میان اعضای خانواده با محیط مسکونی و سایر همسایگان را فراهم می‌سازد (فاتح و داریوش، ۱۳۸۸: ۱۲۹). برای بررسی الگوی مسکن روستایی از شاخص‌هایی مانند رضایت،

رضایت از مسکن روستایی: یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که میزان رضایت‌مندی خانواده از الگوی جدید معماری مسکن، احساس امنیت خانواده در مقابل سوانح طبیعی، رضایت از موقعیت قرارگیری مسکن و رضایت از مساحت واحد مسکونی و تعداد اتاق‌ها از سوی روستاییان در حد زیاد ارزیابی شده است، به نحوی که میانگین ۳/۵ آن را تبیین و ۸۱/۹ درصد افراد اعلام نموده‌اند که از مسکن خود در روستاها در حد متوسط تا زیاد رضایت دارند.

جدول ۵) ارزیابی میزان رضایت‌مندی از مسکن در محیط‌های روستایی (درصد)

معرف‌ها	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین وزنی	کای اسکوتر
میزان رضایت‌مندی خانواده از الگوی جدید معماری مسکن	۰/۹	۵/۲	۳۰/۳	۶۰/۲	۳/۵	۳/۶	۰/۰۰۰
میزان احساس امنیت خانواده در مقابل سوانح طبیعی	۱/۷	۱۱/۳	۳۹/۴	۴۱/۱	۶/۵	۳/۳۹	۰/۰۰۰
میزان رضایت از موقعیت قرارگیری مسکن	۱/۷	۹/۵	۳۲/۵	۴۸/۱	۸/۲	۳/۵۲	۰/۰۰۰
میزان رضایت از مساحت واحد مسکونی و تعداد اتاق‌ها	۱/۳	۱۲/۶	۳۰/۷	۴۵/۵	۱۰	۳/۵	۰/۰۰۰
جمع	۱/۴	۹/۷	۳۳/۲	۴۸/۷	۷/۱	۳/۵	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

پلان معماری مسکن روستایی: برای آگاهی از وضعیت پلامعماری مسکن روستایی، ۷ جزء واحد مسکونی مورد پرسشگری قرار گرفت، به نحوی که از کل خانوارهای مورد مطالعه، ۸۳/۶ درصد دارای اتاق‌های جداگانه برای خواب، ۷۴/۱ درصد دارای اتاق مخصوص پذیرایی، ۶۹/۴ درصد دارای سرویس

بهداشتی داخل ساختمان، ۵۴/۷ درصد دارای آشپزخانه آپن، و ۶/۵ درصد دارای سرویس بهداشتی در داخل اتاق خواب و حیاط خلوت بوده‌اند. نتایج بیانگر تغییر در الگوی پلان معماری مسکن روستایی است.

جدول ۶) ارزیابی میزان مقاومت مسکن در محیط‌های روستایی (درصد)

معرف‌ها	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین وزنی	کای اسکوتر
مشورت با متخصصین در هنگام ساخت مسکن	۳/۹	۲۶/۴	۳۰/۷	۳۴/۶	۴/۳	۳/۰۹	۰/۰۰۰
برخورداري از آموزش در جهت ارتقاء دانش فنی روستائیان	۲۹/۴	۴۳/۳	۱۸/۲	۹/۱	۰	۲/۰۷	۰/۰۰۰
میزان توجه به بستر و نوع خاک در هنگام ساخت مسکن	۲۲/۹	۴۱/۱	۲۴/۷	۸/۷	۲/۶	۲/۲۷	۰/۰۰۰
میزان نظارت مهندسان ناظر در روستا بر ساخت و سازها	۱۵/۴	۳۲/۵	۳۲/۵	۱۶/۷	۳/۱	۲/۶	۰/۰۰۰
جمع	۱۷/۹	۳۵/۸	۲۶/۵	۱۷/۳	۲/۵	۲/۵۹	۰/۰۰۰

روستاییان از زندگی در واحدهای مسکونی خود احساس آرامش نموده‌اند. عمر ۴۷/۶ درصد مساکن زیر ۱۰ سال و ۴۶/۷ درصد در نمای واحد مسکونی خود از مصالح نیمه‌بادوام استفاده می‌نمایند. در نهایت ۹۵/۷ درصد روستاییان برای گرمایش از بخاری و ۵۸/۶ درصد برای سرمایش از کولر بهره می‌برند.

۳-۳- تحلیل فضایی ارتباط بین تغییرات فرهنگی و الگوی مسکن روستایی: قبل از بررسی رابطه بین متغیر مستقل و وابسته ابتدا با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمالیتی شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس نتایج تحقیق، شاخص گرایش به مصرف گرایی در متغیر مستقل و شاخص‌های رضایت از مسکن، مقاومت و پلان معماری در متغیر وابسته از نرمالیتی برخوردار نبوده است، بنابراین برای بررسی رابطه در این شاخص‌ها از آزمون اسپیرمن استفاده شده است. در مجموع داده‌های هر دو متغیر مستقل و وابسته از نرمالیتی برخوردار و در نتیجه از آزمون پیرسون برای بررسی همبستگی استفاده شد. بین تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان و الگوی مسکن روستایی رابطه همبستگی مستقیم و نسبتاً خوبی با مقدار ۰/۴۷۳ در سطح معناداری ۹۹ درصد مشاهده می‌شود و بیانگر تأثیر قابل ملاحظه آثار تغییرات اجتماعی بر الگوی مسکن روستایی است.

مقاومت مسکن روستایی: یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که میزان رضایت‌مندی مشورت با متخصصین در هنگام ساخت مسکن در سطح زیاد و میزان برخورداری از آموزش در جهت ارتقاء دانش فنی روستائیان، میزان توجه به بستر و نوع خاک در هنگام ساخت مسکن و میزان نظارت مهندسان ناظر در روستا بر ساخت و سازها در سطح کم ارزیابی شده است، به نحوی که میانگین آماری ۲/۵۹ آن را تبیین و ۶۲/۳ درصد افراد اعلام نموده‌اند که در هنگام ساخت و ساز مساکن خود در روستاها کمتر به نکات فنی توجه دارند.

کیفیت مسکن روستایی: یافته‌های پژوهش در رابطه با مساکن نشان می‌دهد که ۲۷/۴ درصد واحدهای مسکونی دارای سطحی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ مترمربع و ۳۸/۱ درصد مساکن دارای زیربنایی کمتر از ۱۰۰ متر مربع، ۵۶/۶ درصد دارای سرویس بهداشتی در بیرون از ساختمان و در ۸۴/۲ درصد موارد محل نگه‌داری دام در کنار واحد مسکونی بوده است. از نظر نوع مصالح ساختمانی، ۵۷/۴ درصد مساکن دارای اسکلت فلزی، ۵۳/۸ درصد یک طبقه و ۳۷/۷ درصد کل واحدهای مسکونی دارای ۳ اتاق بوده‌اند. از نظر امکانات واحد مسکونی، تمام آن‌ها دارای آب و برق، ۸۴/۸ درصد دارای تلفن و ۷۸/۹ درصد دارای گاز لوله‌کشی است. ارزیابی کیفیت ابنیه مساکن روستایی نشان می‌دهد که ۵۱/۵ درصد قابل نگه‌داری بوده که با نوع مصالح ساختمانی انطباق دارد و ۴۷/۲ درصد

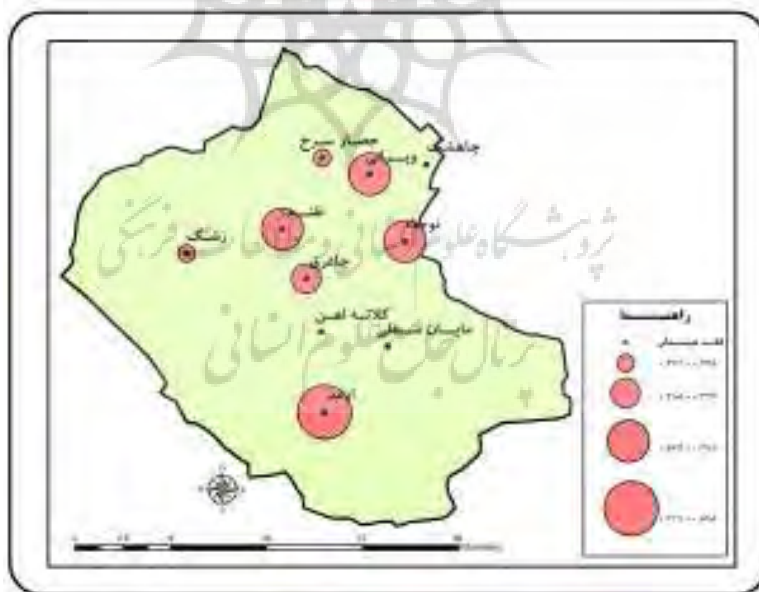
جدول ۷) بررسی ارتباط بین تغییرات فرهنگی و الگوی مسکن روستایی به تفکیک روستاها

نام روستا	حجم نمونه	مقدار ضریب همبستگی	مقدار احتمال آزمون	نتیجه آزمون	تحلیل
چاهشک	۲۹	۰/۲۵۴	۰/۱۸۴	پذیرش فرضیه صفر	-
نقندر	۲۰	۰/۵۵۷*	۰/۰۱۱	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است
کلاته آهن	۹	۰/۰۱۴	۰/۹۷۲	پذیرش فرضیه صفر	-
حصار سرخ	۱۸	۰/۳۴۵*	۰/۰۱۶	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است
نوجاه	۱۴	۰/۵۹۲*	۰/۰۲۶	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است
ازغد	۱۱	۰/۷۱۹*	۰/۰۱۳	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است
مایان سفلی	۷	۰/۳۵۹	۰/۴۲۹	پذیرش فرضیه صفر	-
زشک	۳۸	۰/۳۷۲*	۰/۰۲۲	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است
جاغرق	۴۱	۰/۴۵۸*	۰/۰۰۳	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است
ویرانی	۴۵	۰/۵۹۴*	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است
جمع	۲۳۲	۰/۴۷۳*	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است

\* در سطح احتمال ۹۵ درصد و بیشتر رابطه معنادار است، مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

مثبت و معنی داری وجود دارد. همبستگی مورد اشاره در این روستاها مستقیم و در بعضی موارد نسبتاً کامل است، بدین معنا که با نقش آفرینی بیشتر تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان، میزان تغییر در الگوی مسکن روستایی در این روستاها افزایش می‌یابد.

از یافته‌های پژوهش بر اساس جدول ۷ می‌توان نتیجه گرفت که بین تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان و الگوی مسکن روستایی در اکثر روستاهای مورد مطالعه مانند نقندر، حصارسرخ، نوجاه، ازغد، زشک، جاغرق و ویرانی (نورآباد) ارتباط



شکل ۳) توزیع فضایی ارتباط بین تغییرات فرهنگی و الگوی مسکن روستایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات، آماره فیشر و سطح معنی داری رگرسیون گزارش شده است. مقدار P-Value یا همان سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین فرضیه صفرآزمون مبنی بر عدم معنی داری مدل رگرسیون را با اطمینان ۹۹٪ رد می‌کنیم، بنابراین مدل رگرسیونی از لحاظ آماری معنی دار است.

۳-۴- بررسی تأثیر تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی: برای بررسی میزان تأثیرگذاری تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی از دیدگاه روستاییان از مدل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. بر اساس مقدار ضریب تعیین ۰/۳۵۱ مشخص می‌شود که رگرسیون خطی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته حدود ۳۵/۱ درصد از کل تغییرات را توجیه می‌کند. در جدول ANOVA

جدول ۹) بررسی اثرگذاری تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن

نتیجه	سطح معناداری	آماره t	ضریب استاندارد(بتا)	ضریب متغیر	متغیرهای مستقل
در مدل معنی دار است	۰/۰۰۰	۳/۸۳۱	-	۱/۱۳۰	مقدار ثابت *
در مدل معنی دار است	۰/۰۰۶	۲/۷۷۴	۰/۱۶۵	۰/۱۷۲	فعالیت‌های فرهنگی
در مدل معنی دار است	۰/۰۰۰	۶/۲۲۷	۰/۳۷۴	۰/۲۲۸	گرایش به مصرف گرایی
در مدل معنی دار است	۰/۰۰۰	۴/۶۰۳	۰/۲۷۳	۰/۳۸۱	پذیرش فرهنگی
در مدل معنی دار است	۰/۰۰۹	-۲/۶۲۳	-۰/۱۵۵	-۰/۱۴۷	ناهنجاری‌های اجتماعی

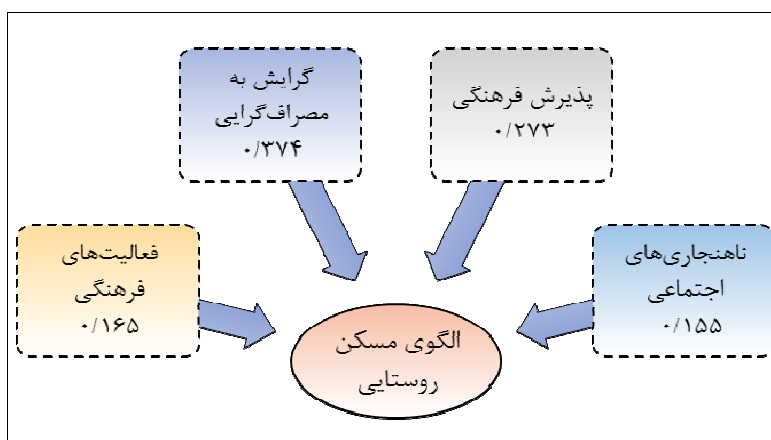
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

\*متغیر وابسته: الگوی مسکن روستایی

آن در اینجا برابر ۱/۹۸۴ است، لذا باقی مانده‌ها مستقل از یکدیگر می‌باشند. با توجه به نتایج حاصل، تأثیر تمام شاخص‌ها در مدل معنی دار است، اما ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی تأثیر منفی بر الگوی مسکن خواهند داشت که با نتایج عینی در منطقه مورد مطالعه تطابق خواهد داشت. بنابراین مدل رگرسیونی به صورت زیر در می‌آید:

در جدول ۹ برای هر یک از پارامترهای مدل رگرسیون، مقادیر برآورد پارامترها، انحراف معیار برآورد پارامترها، برآورد پارامترهای مدل رگرسیون استاندارد شده، آماره t آزمون و سطح معنی داری برآورد پارامترها گزارش شده است. به منظور بررسی مستقل بودن باقی مانده‌ها از آماره دوربین واتسن استفاده می‌شود که اگر مقدار آن بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد نشان دهنده مستقل بودن باقی مانده‌ها است. که مقدار



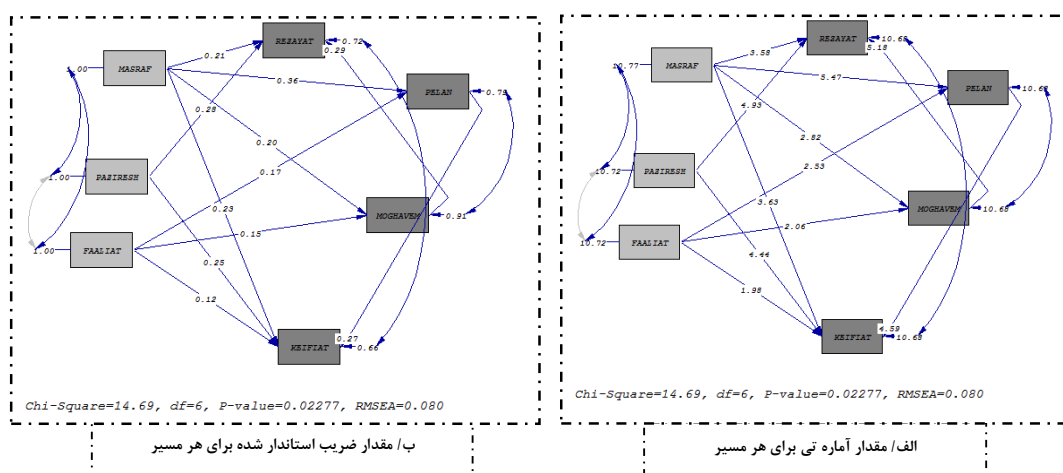


شکل ۴) اهمیت نسبی شاخص‌های تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی، مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

می‌باشند و در نهایت مقدار NFI و NNFI به ترتیب برابر ۰/۹۲ و ۰/۹۱ هستند که نشان دهنده برازش قابل قبول مدل می‌باشد. بر اساس نتایج شکل ۵ از بین شاخص‌های متغیر مستقل تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان، ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی، پس از آنالیزهای مکرر تحلیل مسیر مشخص گردید که اثرات مستقیمی بر شاخص‌های متغیر وابسته الگوی مسکن روستای ندارد، بنابراین، از مدل تحلیل مسیر خارج گردید. در بررسی اثرگذاری شاخص‌های متغیر مستقل بر متغیر وابسته، شاخص گرایش به فرهنگ مصرف‌گرایی بر شاخص‌های رضایت، پلان معماری، مقاومت و کیفیت مسکن به ترتیب ۰/۲۱، ۰/۳۶، ۰/۲۰ و ۰/۲۳ اثرگذاری داشته است. شاخص فعالیت‌های فرهنگی بر شاخص‌های پلان معماری، مقاومت و کیفیت مسکن به ترتیب ۰/۱۷، ۰/۱۵ و ۰/۱۲ تأثیر خواهد داشت. شاخص پذیرش فرهنگی فقط بر روی رضایت و کیفیت بنای مسکن با ضریب ۰/۲۸ و ۰/۲۵ تأثیر می‌گذارد. بر این اساس، مشخص می‌شود که در بین آثار تغییرات فرهنگی، بیشترین اثرگذاری مربوط به رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و

۳-۵- آنالیز تحلیل مسیر اثرگذاری شاخص‌های تغییرات فرهنگی بر شاخص‌های الگوی مسکن روستایی: برای بررسی میزان تأثیرگذاری هر کدام از شاخص‌های تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی از دیدگاه روستاییان و بررسی نحوه‌ی روابط بین آن‌ها از آنالیز تحلیل مسیر استفاده شده است. برای این منظور ابتدا برای خارج نمودن گویه‌های کم اهمیت‌تر از مدل تحلیل عاملی کمک گرفته شد و براین اساس، تعداد دو گویه از شاخص فعالیت‌های فرهنگی، تعداد چهار گویه از شاخص پذیرش فرهنگی، تعداد یک گویه از شاخص ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی و ۹ گویه از شاخص کیفیت مسکن روستایی از تحلیل خارج گردید. سپس متغیرها (شاخص) برای تحلیل مسیر وارد مدل گردید، که براساس آماره  $t$  و مقدار ضریب تأثیر استاندارد شده بتا برای هر مسیر دست آمد. بر اساس یافته‌های تحقیق اعتبار و برازندگی مناسب مدل‌ها تأیید می‌شود، چرا که مقدار تقسیم‌کی دو به درجه آزادی کمتر از ۳ بوده (معادل ۲/۴۴)، مقدار RMSEA کمتر از ۰/۰۷ (معادل ۰/۰۶۸) و GFI و AGFI به ترتیب مقادیر ۰/۹۸ و ۰/۹۴ را دارا

فعالیت‌های فرهنگی در منطقه مورد مطالعه خواهد بود.



شکل ۵) میزان اثرگذاری شاخص‌های تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی، مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

امکانات جدید در داخل مسکن و طراحی و پلان‌های معماری متفاوت از معماری سنتی در مسکن روستایی شده است که با مطالعات پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) در زمینه‌ی تغییرات فرهنگی و تأثیر آن بر تغییر الگوی مسکن روستایی و قاسمی‌اردهانی و رستمعلی‌زاده (۱۳۹۱)، افراخته و هواسی (۱۳۹۰)، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۰)، مطیعی لنگرودی و بخشی (۱۳۸۹) و رحمانی فضلی و کاویانی (۱۳۸۸) در زمینه‌ی نقش اعتبارات در مقاوم سازی مسکن روستایی هم‌خوانی دارد، اما نتایجی که در این تحقیق نسبت به تحقیقات قبلی به آن دست یافته‌ایم، بررسی اثرگذاری مستقیم شاخص‌هایی از متغیر تغییرات فرهنگی، مانند رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، پذیرش فرهنگی و فعالیت‌های فرهنگی بر تغییر در الگوی مسکن روستایی است در صورتی که شاخص‌هایی مانند ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی بر خلاف تحقیقات پیشین اثر معکوسی بر تغییر در الگوی مسکن روستایی دارد.

در پایان یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد برای پاسخ به این سؤال که الگوی مسکن روستایی به چه

جمع‌بندی از یافته‌های تحقیق ما را به این نکته راهنمایی می‌کند که تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان توانسته است تغییراتی را در الگوی مسکن به وجود آورد. در مقایسه با تحقیقات خارجی به ویژه در کانادا، ترکیه و نیجریه (Alnaim, Walker, 2002, Hacıhasanoglu, Nurse & Blak, 2000, 2004)، تحقیق حاضر نشان می‌دهد که تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان در شاخص‌های گرایش به مصرف‌گرایی، فعالیت‌های فرهنگی و پذیرش فرهنگی و غیره توانسته است تغییراتی را در الگوی مسکن روستایی در زمینه‌های رضایت‌مندی، مقاومت، کیفیت بنا و مقاومت آن در پی داشته باشد. بنابراین نتیجه تحقیق حاضر در منطقه مورد مطالعه، نتایج تحقیقات خارجی را تأیید می‌نماید. در مقایسه با نتایج تحقیقات انجام گرفته در داخل کشور، مطالعه‌ی حاضر مؤید این مطلب است که تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان سبب بروز تغییراتی در الگوی مسکن روستایی در حوزه‌های مانند نوع استفاده از وسایل و

قالب حفظ الگوی مسکن روستایی از طرف دیگر ارائه می‌شود:

► استفاده صحیح از مصالح بومی و تعمیر ساختمانهای قدیمی با وسایل رفاهی مدرن و امروزی به همراه ایجاد تنوع و نوآوری در طرح‌های سنتی و بومی.

► پیشگام شدن سازمانهای دولتی در امر ساختن ساختمانهایی به شکل سنتی و بومی در روستاها به همراه ایجاد چهارچوب مشخص و معین در امر خانه‌سازی و تعیین نقشه‌های متناسب با فرهنگ روستایی، در کنار آن دادن تسهیلات به کسانی که از مصالح بومی استفاده می‌کنند و الگوی سنتی را در خانه‌سازی حفظ می‌کنند.

► کوشش در حفظ و نگهداری از خانه‌های قدیمی و سنتی در روستاها و جلوگیری از تخریب این خانه‌ها، توسط ساکنین روستایی، با توجه به نزدیکی منطقه مورد مطالعه به شهر مشهد و رواج خانه‌های دوم روستایی، می‌تواند معماری بومی به یک جاذبه گردشگری بالقوه محسوب گردد.

► در الگوی مسکن جدید در روستاها، استقلال روستاییان برای ساخت مسکن از بین رفته و از هر لحاظ وابسته به شهر شده است تا جائیکه حتی قادر نیست بدون خرید از بازار شهر، مسکن و یا ابزار مربوط به مسکن خود را تعمیر کند، بنابراین پیشنهاد می‌شود تا حد امکان از مصالح بومی با رعایت پایداری سازه و مقاومت بنا استفاده شود.

► تدوین سند چشم‌انداز توسعه ای مسکن روستایی و تعریف الگوهای ویژه و منطبق با شرایط جغرافیایی منطقه.

میزان از تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان تأثیر پذیرفته است؟ بر پایه داده‌های حاصل از نظرسنجی از روستاییان و سنجش رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، ارتباط مستقیم و نسبتاً قابل ملاحظه با ضریب  $0/473$  بین میزان تغییرات فرهنگی و الگوی مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه وجود دارد. در بین شاخص‌های تغییرات فرهنگی بالاترین ضریب همبستگی با الگوی مسکن مربوط به شاخص گرایش به مصرف‌گرایی با ضریب  $0/475$  وجود دارد. با بررسی میزان تأثیرگذاری تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه پیش بینی مشخص گردید که متغیر مستقل نقش قابل توجهی در پیش‌بینی متغیر وابسته ایفا می‌نماید، به نحوی که  $35/1$  درصد تغییرات الگوی مسکن را تبیین می‌نماید و در بین شاخص‌های آن، گرایش به مصرف‌گرایی با اثرگذاری مثبت  $37/4$  درصد، بیشترین تغییرات متغیر وابسته را توجیه می‌نماید. اما شاخص ترس از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی در جوامع روستایی دارای اثرگذاری منفی بر الگوی مسکن روستایی می‌باشند. در آنالیز تحلیل مسیر نیز شاخص گرایش به مصرف‌گرایی بر چهار شاخص الگوی مسکن روستایی اثر داشته است و بیشترین تأثیرگذاری آن بر پلان معماری و کیفیت مسکن روستایی با ضرایب  $0/36$  و  $0/23$  بوده است. بنابراین، تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه تأثیر نسبتاً قابل توجهی داشته است و فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

##### ۵. پیشنهادها

پیشنهادات زیر برای ایجاد رابطه‌ای معقول بین نیازهای امروز و استفاده از تکنولوژی و پیشرفت از یک طرف و حفظ آثار فرهنگ و سنت روستایی در

## منابع

- آیت‌اللهی. حمیدرضا، (۱۳۸۷) بررسی دیدگاه‌های هرمنوتیک در ساختهای مختلف فهم، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۱۱.
- احمدی، سید وحید (۱۳۸۷)، آسیب شناسی بازار مسکن در ایران، انتشارات سازمان مسکن و شهرسازی، تهران.
- ازکیا، مصطفی و غفاری. غلامرضا، (۱۳۸۶). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران؛ چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی، (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کلمه.
- استانداری خراسان رضوی، (۱۳۹۱)؛ آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان بینالود، مشهد: استانداری خراسان رضوی.
- افراخته. حسن و هواسی. نبی (۱۳۹۰). تحلیلی بر نقش وام مسکن در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان سیدابراهیم دهلران)، مجله جغرافیا، سال ۹، شماره ۳۱، صص ۷۶-۵۵.
- امان‌اللهی. سکندر، (۱۳۶۲). نظام اجتماعی - سیاسی ایل بهاروند و تغییر و تحول آن، تهران: انتشارات آگاه.
- بسحاق. محمدرضا، صیدایی. سیداسکندر و جمینی. داود، (۱۳۹۱). تحلیلی بر پایداری اجتماعی مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ازنا)، مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۲، شماره ۵، صص ۱۱-۱.
- بشیری، اکرم، قدرتی. فرشته، حیدری. احمد، رضویان. سیدمحمدصادق و طیبی. ایمان، (۱۳۸۸): الگوی مسکن‌های روستایی در سیستان و بلوچستان، اولین کنفرانس ملی روستا و توسعه کالبدی، زاهدان.
- پورطاهری، مهدی، رکن‌الدین افتخاری. عبدالرضا و نیکبخت. منصوره، (۱۳۹۰). اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی، مجله فضای جغرافیایی، سال ۱۱، شماره ۳۵، صص ۱۳۴-۱۱۵.
- چپرلی، حامد(۱۳۸۷)، نقش درآمد در تحول الگوی مسکن روستایی(مورد مطالعه دهستان سلطانعلی شهرستان گنبد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- چیتامبار. جان بندیکت، (۱۳۷۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه احمد حجاران و مصطفی ازکیا، تهران: نشر نی.
- خاکپور. مژگان و شیخ مهدی. علی، (۱۳۹۰). بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر الگوی مسکن روستایی گیلان، مجله هویت شهر، شماره ۲۷، صص ۲۴۶-۲۲۹.
- خسرونیا. مرتضی، (۱۳۸۸)، ارزیابی رویکردهای مختلف پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۷، صص ۴۳-۳۲.
- خسروی. خسرو، (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی ده در ایران، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رحمانی‌فضلی. عبدالرضا، کاویانی. یونس، (۱۳۸۸): اثربخشی اعتبارات خرد در بهسازی مسکن روستایی، فصلنامه جغرافیا، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۴۵-۲۹.
- رضوانی. محمدرضا، (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: نشر قومس.
- روح‌الامینی. محمود، (۱۳۷۰). زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: انتشارات پیام نور.
- زرگر. اکبر، (۱۳۸۸). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- زندیه. مهدی و حصارى. پدram، (۱۳۹۱). تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۸، صص ۷۲-۶۳.
- سرتیپی‌پور. محسن، (۱۳۸۴)؛ شاخص‌های معماری مسکن روستایی، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صص ۵۲-۴۳.

- مطالعه موردیک استان قزوین، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۶.
- عادلی گیلانی، الهیار (۱۳۸۹)، اکویلیج در جلگه گیلان "الگوی پایدار مسکن روستایی در جلگه شرقی گیلان با تکیه بر معماری بومی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری، دانشگاه تهران.
- عنابستانی. علی‌اکبر، شایان. حمید و بنیادداشت. ابوالقاسم، (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بهمئی)، مجله برنامه‌ریزی فضایی، سال ۱، شماره ۳، صص ۸۰-۶۳.
- فاتح. محمد و داریوش. بابک، (۱۳۸۸). معماری روستایی ۱ و ۲، تهران: انتشارات علم و دانش.
- قاسمی‌اردهانی. علی و رستمعلی‌زاده. ولی‌الله، (۱۳۹۱) اثرات وام‌های مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۹، صص ۸۴-۶۷.
- قنبری. نوذر، رمضان‌زاده لسویی. مهدی و معصوم‌پور سماکوش. جعفر، (۱۳۹۰). نگرش ساکنین از ابعاد مسکن روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه) مجله نگرش‌های نو در جغرافیایی انسانی، سال ۳، شماره ۳، صص ۱۲۰-۱۰۵.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۲)؛ سنجش سطح توسعه‌ی روستایی در شهرستان تربت حیدریه، ۷۹-۱۳۶۵، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳، صص ۵۴-۴۱.
- کاوسی. اله‌بخش، (۱۳۹۰). اقتصاد، فرهنگ و مسکن روستایی، تهران: مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی: مسکن و بافت، محور تخصصی: اقتصاد و مسکن روستایی، صص ۲۵۱-۲۵۶.
- کریمی‌آذر. امیررضا و شمسی‌یوسفی. احمدرضا (۱۳۸۸)؛ مسکن روستایی با رویکردی به بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن روستایی، اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، زاهدان.
- سرتیپی‌پور. محسن، (۱۳۸۵)؛ مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره ۲۷، صص ۵۶-۴۷.
- سرتیپی‌پور. محسن، (۱۳۸۸- الف). آسیب‌شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- سرتیپی‌پور. محسن، (۱۳۸۸- ب). بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران، مجله صفا، شماره ۴۹.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس. و حجازی، الهه. (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
- سعیدی، عباس، (۱۳۷۹)، مبانی جغرافیای روستایی، تهران: انتشارات سمت.
- سعیدی. عباس و امینی. فریبا، (۱۳۸۹)؛ ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی (مورد: روستا خفر (ناحیه نظنز - بادرود))، فصلنامه جغرافیا، سال ۸، شماره ۲۷، صص ۴۳-۲۹.
- سعیدی. عباس، (۱۳۸۷). دانشنامه مدیریت روستایی و شهری (جهانی شدن و روستا)، تهران:
- شکوری. علی و عسگری. نقی، (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد برنامه‌های مسکن روستایی و تأثیرات آن بر کیفیت ساخت و ساز مناطق روستایی در برنامه چهارم توسعه (مطالعه موردی: استان هرمزگان). مجله پژوهش‌های روستایی، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۱۹.
- صیدایی. سیداسکندر، قره‌نژاد. حسن و فیروزی. ایوب، (۱۳۹۰). تحلیل بر آسیب‌پذیری مسکن روستایی (مطالعه موردی: مسکن روستایی شهرستان بافت)، مجله سپهر، سال ۲۰، شماره ۷۷، صص ۷۳-۶۸.
- صیدائی، اسکندر، کیانی، صدیقه، سلطانی، زهرا (۱۳۸۹)، تحلیل فضایی وضعیت مسکن روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۲، صص ۷۲-۴۹.
- طاهرخانی. مهدی، (۱۳۸۲). توزیع جغرافیایی محصولات فرهنگی و نقش آن در مهاجرت جوانان روستایی،

- Cullingworth, B., (1997). *Planning in the USA: Policies, Issues, and Processes*, Routledge, New York.
- Hacihasanoglu, I. and Hacihasanoglu, O (2005). *Cultural processes and physical change in Sisli Istanbul*.
- Hsu, S (2002). *A transformation of traditional Chinese residential architecture in Richmond B.C (Greatervancouver)*, PhD Dissertation, Dalhousie University, Halifax, Nova scotia.
- Knapp, E., (1982). *Housing Problems in the Third World: Theoretical Terms of Reference, Methodology, and Four Case Studies in Bogota, Jakarta, Nairobi and Kasama*, University of Stuttgart.
- Mai, M and shamsuddin, Sh. (2005). *Urbanization and Globalization of Gbagyi Housing Transformation*.
- Rangwala, S.C., (1998). *Town Planning*, Charatar Publishing House, India.
- Rapoport, Amos (1972), *Pour une Anthropologie de la Maison*, Paris, Dunod.
- Sendich, B., (2006). *Planning and Urban Standard*, Rutledge, Newgersy.
- Short, J. R., (2006). *Urban Theory Acritical Assessment*, Routledge, Newyork.
- Turgat, H. (2001). *Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement*, *Global Environment Research (GBER)*, (1):17-25
- Walker, A. (2001). *The social context of built form: The case of informal housing production in Mexico City*, Working paper No. 114, University College London: 16-18.
- Wells, c. (1971). *Man in his world*. London: John Baker Pub. Ltd.
- Westaway, M. S., (2006). *A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop, Soweto*, *Habitat International*, vol. 30, No. 1, pp. 175-189.
- Yagi, K., (1987). *A Japanese Touch for Your Home*, Codansha International Co.
- لطفی، حیدر، احمدی، علی، حسن زاده فرجود، داود (۱۳۸۸)، شاخص‌ها و مؤلفه‌های ضروری در برنامه ریزی و سیاست گذاری مسکن روستایی در ایران، فصل نامه جغرافیایی آمایش شماره ۷، صص ۱۲۷-۱۰۵.
- مطیعی لنگرودی. سیدحسن، بخشی. زهرا، (۱۳۸۹)؛ نقش اعتبارات مسکن در توانمندی و ماندگاری جمعیت روستایی در دهستان بیهق، پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۲، صص ۳۱-۴۶.
- معینی. م (۱۳۸۷)؛ مطالعه‌ی روند شکل‌گیری مسکن در تازه‌آبادهای عشایری- نمونه‌ی موردی: تازه‌آباد گل‌افشان سمیرم اصفهان، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره ۳۳، صص ۵۶-۴۷.
- هال. ادوارد، (۱۳۸۷). بعد پنهنان، ترجمه منوچر طیبیان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Al. Naim, M. and Mahmud, S (2004). *Is transformation in the traditional dwellings one way of making slums or a solution to accommodate more people and new functions: A case in Dhaka and Hofuf*, *GBER* 5 (1):30-44
- Banski. J., Wesolowska. M., (2010). *Transformations in housing construction in rural areas of Poland sublin Region-Influence on the spatial settlement structure and landscape aesthetics*, *Landscape and Urban Planning Journal*, No. 94, Pp. 116-126.
- Blak, R. and Nurse. A (2000). *The Trajectories of rural life: New perspectives on rural Canada*, Mont Alison University.
- Bourne, I.S., (1981). *A Gography of Housing*, Prentice-Hall, New York.
- Cater, J. & Trevor, J. (1989). *Social Geography*, Routledge, and London.